کتاب اندیشه

تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام

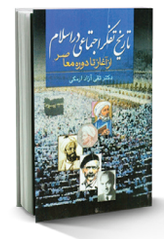

دکتر تقی آزادارمکی، استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، در کتاب «تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام؛ از آغاز تا دوره معاصر» تلاش کرده است تا آراء و نظریات متفکران مسلمانی را که در مورد یکی از موضوعات و مباحث اجتماعی داعیه‌ای داشته‌اند، مرور کند. در بیان آراء هر یک از متفکران با مراجعه‌هایی اجمالی به شرایط اجتماعی - سیاسی زمان و زندگی آنها سعی شده است تا فهم درست‌تر نظریه هر یک فراهم شود.

کتاب در ۱۶فصل تنظیم شده است؛ از فصل یکم تا فصل هفتم به ذکر مسائل کلی در باب اندیشه اجتماعی در اسلام پرداخته شده است. این مسائل عبارتند از: «جایگاه اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان»، «ضرورت طرح اندیشه اجتماعی مسلمانان»، «زمینه‌های شکل‌گیری تفکر اجتماعی در تمدن اسلامی»، «مبانی و اصول اندیشه متفکران مسلمان»، «مبانی و اصول اندیشه متفکران مسلمان»، «روش‌های تحقیق متفکران مسلمان»، «تاریخ‌نگاری و اندیشه اجتماعی» و «اندیشه اجتماعی در سفرنامه‌ها». از فصل هشتم تا شانزدهم نیز مشخصاً به متفکرانی ازجمله ابونصر فارابی، ابوریحان بیرونی، امام محمد غزالی، خواجه نظام‌الملک، خواجه نصیرالدین طوسی، ابن خلدون، جلال آل احمد، علی شریعتی و مرتضی مطهری پرداخته شده است.

این کتاب که حاصل سال‌ها تدریس درس اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران از سوی دکتر تقی آزادارمکی بوده، در ۴۸۶ صفحه از سوی نشر علم روانه بازار شده است.

توسعه علم

موانع روش‌شناختی توسعه علوم انسانی

احد فرامرز قراملکی، استاد دانشگاه تهران، معتقد است که یکی از عمده‌ترین موانع توسعه علوم انسانی، رخنه‌های روشی در پژوهش‌های جاری در گستره‌های مختلف این حوزه دانش بشری است. خلاصه‌ای از اهم این رخنه‌ها در منظر او که طی یادداشتی در شماره ۳۴مجله قبسات در سال ۱۳۸۳به چاپ رسیده، عبارت است از:

۱) بسیاری از آنچه تحقیق خوانده می‌شوند، نه پژوهش مسئله‌محور، بلکه تتبع موضوع محورند و رسالتی غیر از تولید علم را دنبال می‌کنند. جهت‌گیری آنها آموزشی، ترویجی و اطلاع‌رسانی است. در نتیجه از تشخیص و حل مسئله عاجز و به طریق اولی از تولید دانش ناتوانند. (رخنه اول)

۲) عده‌ای از کسانی که به وسیله مواجهه با مشکلات به پژوهش می‌پردازند، بدون وقوف به تمایز مشکل و مسئله، تنها به سطح مشکلات حصر توجه می‌کنند و گرفتار خطای اخذ مسائل در مسئله واحد (مغالطه پرسش مرکب) می‌شوند و از این روی، از تشخیص دقیق و حل مسئله همچنان ناتوان می‌مانند. (رخنه دوم).

۳) در میان کسانی که سعی می‌کنند از مشکل به مسئله عبور کنند، گروهی مسئله‌نما بودن مسئله مورد تحقیق را تشخیص نمی‌دهند و گرفتار مواضع مختلف اخذ مسئله‌پنداری به جای مسئله واقعی می‌شوند. (مانند مسائل بی‌معنا، مسائل القاکننده، بن‌بست موهوم یا طناب پوسیده یا تبیین غیرمسبوق به توصیف روشمند، اخذ طلب علت به جای طلب دلیل و مسئله پنداشتن مبانی) این گروه نیز مانند دو گروه نخست از تولید دانش ناکام می‌مانند. (رخنه سوم).

۴) عده‌ای به‌دلیل گرفتار آمدن به‌نظریه‌های عام و خیره‌کننده‌ای که آنها را حل‌کننده همه مسائل می‌انگارند، به تحویلی‌نگری می‌رسند. عینکی از نظریه عام خویش به چشم می‌زنند و در نتیجه امور را به چیزی فروتر از آنچه هستند، تحویل می‌دهند. وجهی از شیء را به جای همه هویت آن می‌نشانند و به این طریق از پژوهش عینی و بی‌طرف دور می‌افتند و به جای تولید علم و دست‌یابی به‌نظریه‌های نوین، دور خود می‌چرخند. (رخنه چهارم)

۵) تحویلی‌نگری و نیز عوامل دیگر، گروهی را به درآمیختن مرز علوم سوق می‌دهد. آنان به‌دلیل عدم‌وقوف بر تمایز روشی علوم از تبارشناسی مسائل ناتوان و از برگرفتن روش‌های مناسب با مسئله ناکام می‌شوند. مسئله فلسفی را به مدد روش‌های تجربه تحلیل می‌کنند یا برعکس آن. (رخنه پنجم)

۶) در میان کسانی که به تبارشناسی مسئله به دقت می‌پردازند و به درستی درمی‌یابند که مسئله تحقیق به کدام دانش از علوم انسانی متعلق است، گروهی تعلق به گستره را به خطا، به‌معنای حصرگرایی روش‌شناختی تفسیر می‌کنند و خود را از مطالعات دیگر دانش‌ها و رهاورد سایر روی‌آوردها محروم می‌سازند. نسبت به سایر دانش‌ها موضع انکار اخذ می‌کنند. اینها به‌ویژه در تشخیص و حل مسائل چندتباری ناکام می‌شوند. (رخنه ششم)

۷) در میان کسانی که به هر دلیل از بند حصرگرایی روش‌شناختی رهیده‌اند و به اهمیت توجه به دیگر دانش‌ها در حل مسئله واحد وقوف یافته‌اند، گروهی در مقام بهره جستن از رهاوردهای سایر علوم، بدون الگوی پژوهش و قواعد مطالعه میان‌رشته‌ای به التقاط اندیشه‌ها می‌پردازند. با شعار مطالعه میان‌رشته‌ای به انبوه‌سازی چندرشته‌ای مشغول می‌شوند و ثمری جز التقاط و حیرت نمی‌یابند. (رخنه هفتم)

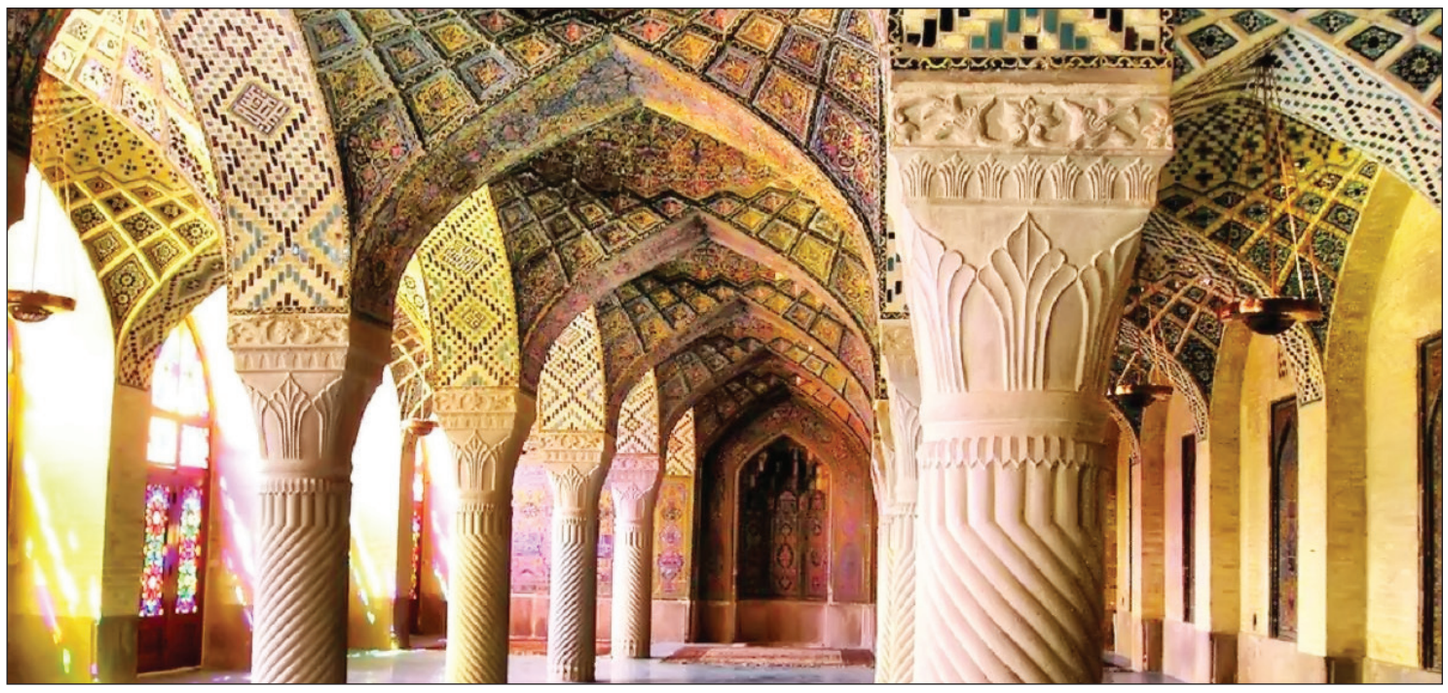

تمدن اسلامی؛ مؤسس و ابداع‌گر

نگاهی به زمینه‌های شکل‌گیری تفکر اجتماعی در تمدن اسلامی با بررسی کتاب «تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام»

اندیشه علم

سیدایلیا رضوی

بررسی زمینه‌های شکوفایی علوم بین مسلمانان به ما کمک خواهد کرد تا با دیدی وسیع‌تر و عبرت از گذشته و شناسایی نقاط قوت و ضعف به فراهم‌آوردن فضایی مشغول شویم که بار دیگر به دوران اوج شکوفایی علمی بین مسلمانان برسیم. پیش از این در شماره دوشنبه ۱۹اردیبهشت ۱۴۰۱به بررسی این عوامل از منظر دکتر گلشنی پرداختیم. در این شماره عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اندیشه اجتماعی مسلمانان را براساس کتاب «تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام» از منظر دکتر تقی آزادارمکی مرور کرده‌ایم. برخی از متفکران مسیحی، اروپاییان و مستشرقان در بحث از فرهنگ و تمدن یا اسمی از تمدن اسلامی نبرده‌اند و یا اینکه آن را فقط حلقه واسط بین فرهنگ و تمدن یونان و روم باستان و اروپای جدید می‌دانند. در حالی که تمدن اسلامی گرچه متأثر از تمدن دنیای باستان است اما تقلیدکننده محض نیست بلکه تمدنی «مؤسس»، «تکمیل‌کننده» و «ابداع‌گر» است. تمدن و آثار علمی و فرهنگی دنیای باستان در حکم «مواداولیه‌ای» بودند که ذهن و فکر خلاق مسلمانان، آنها را براساس اندیشه اسلامی باز تولید کردند. به‌عنوان مثال آنچه تحت عنوان اندیشه اجتماعی مسلمانان مطرح شده است کمتر شباهتی با اندیشه اجتماعی مطرح در یونان و روم قدیم دارد. شکل‌گیری علوم و مخصوصاً اندیشه اجتماعی مسلمانان عمدتاً تحت تأثیر ۵عامل است. این عوامل عبارتند از: منابع اصیل اسلامی، تمدن‌ها و مراکز علمی دنیای باستان، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی و عوامل سیاسی که در ادامه به بررسی این عوامل می‌پردازیم.

۱) متون اسلامی

وحی و سنت، همواره از اساسی‌ترین منبع تفکر اجتماعی مسلمانان بوده است. می‌توان گفت که نظرات و اندیشه‌های اجتماعی مسلمانان از قرآن ریشه می‌گیرد، چرا که قرآن، مسلمانان را به تفکر و تعقل و دقت در زندگی اقوام و ملل و قبایل و نیز آداب و رسوم پیشینیان و چگونگی ظهور و انقراض جوامع انسانی، دعوت می‌کند. برخی از اندیشمندان مسلمان بر این اعتقادند که بررسی تاریخ ملل و سرنوشت ملت‌ها، برای نخستین بار در قرآن مطرح شده است. دعوت به نظاره و مشاهده و مداخله در منابع اسلامی در بررسی مسائل عمده اجتماعی - فرهنگی، زمینه عمده شکل‌گیری اندیشه اجتماعی است. قرآن با شیوه و روشی خاص مهم‌ترین مباحث اجتماعی و تاریخی را، از قبیل پیدایش اجتماعات انسانی و تطور آنان، نوع قانونمندی جوامع انسانی، سنت‌های تاریخی، کیفیت اعتلا و عامل تحرک آنها، طبقه‌بندی جوامع، اقشار و گروه‌های انسانی، خانواده و اثرات آن در ثبات و تحکیم روابط اجتماعی، عوامل وحدت‌دهنده و تجزیه‌کننده جوامع انسانی، فرهنگ‌پذیری انسان‌ها، رابطه اقتصاد و فرهنگ، کیفیت انتقال فرهنگ و تمدن‌ها، چگونگی تأثیرپذیری جوامع انسانی از آداب و رسوم و عادات و فرهنگ پیشینیان، حدود مقاومت انسان در مقابل جبرهای متعدد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، میزان اهمیت ارزش‌های اجتماعی در سلامت و انحراف جامعه، جامعه مطلوب، عوامل آسیب‌ساز در جامعه و شرایطی که در نهایت انحطاط فرهنگ و جوامع را ممکن می‌سازد، مطرح کرده است. به‌عبارتی قرآن که طبیعت و ضمیر انسانی و جامعه و تاریخ را به‌عنوان موضوعات قابل مطالعه و کاوش معرفی کرده است، خود موضوع جدیدی شده که مجموعه‌ای از علوم از آن متأثر شده است.

اصول اسلامی به‌طور کلی بر شکل‌گیری اندیشه و تمدن اسلامی به صور زیر مؤثر واقع شده است:

■ طرح برابری و تساوی اجتماعی با الهام از قرآن مجید، یکی از راه‌ها و عوامل بسط تمدن بوده است.

■ اهمیتی که دین نزد مسلمانان داشت و به آن جهت هم چیزهای دیگر در واقع فرع و تابع آن محسوب می‌شد، سبب شد که اهل تحقیق، توجه خاص به عقاید و مذاهب مختلف پیدا کنند و این نکته همراه با ارتباط و تماس دائم و روزنه‌ای که مسلمانان با پیروان ادیان و شرایع دیگر داشتند به پیدایش علم «ملل و نحل» و «علم کلام» و همینطور «فلسفه اسلامی» منجر شد.

■ برخلاف متون مذاهب دیگر که لحن محکم و تعبدی دارند و اصل اعتقادی و مبانی دینی را به‌صورت حقایقی اسرارآمیز و ماوراءعقلی القا می‌کنند، قرآن و زبان وحی در عین حال که تقوای روحی و پاکی باطن و خلوص فهم را شرط اساسی پذیرش حقیقت و قرار گرفتن در مسیر هدایت می‌داند، پیروانش را همه‌جا به تحقیق و تفکر می‌خواند.

■ اسلام از ملت‌های منجمد و قبایل امی، یک امت تمدن و متحرک ساخت و آن همه نبوغ را در میان نژادهای گوناگون و ملت‌ها و طبقات متمدن و غیرمتمدن، حاکم و محکوم شکوفا کرد و درهای علم و پیشرفت فکری و فرهنگی را روی همه گشود. اجتهاد که برجسته‌ترین شاخص روح علمی و بینش اعتقادی اسلام است نه‌تنها موجب شد که اندیشه اسلامی در قالب‌های ثابت زمان متحجر نشود بلکه باعث شد تا اسلام همواره نو بماند و طرز فکر اسلامی، پیشاپیش زمان حرکت کند.

■ وجوب عینی تحصیل دانش در بین مسلمانان؛ قرآن افراد را به ایمان یعنی باور مبتنی بر آگاهی و شناخت دعوت کرده بود؛ پس هر مسلمانی مکلف بود که تحصیل ایمان کند و چون مقدمه واجب نیز واجب است از این‌رو نظام تربیتی اسلام کسب آگاهی و شناخت را برای هر فرد به‌عنوان مقدمه ایمان شخصی به اندازه توانایی عقلی واجب کرده است و از اینجا بود که تحصیل دانش در میان مسلمانان حکم واجب عینی پیدا کرد.

■ اهمیت مراکز آموزشی از قبیل مساجد: در همه ادوار اسلام، مسجد محل درس و قرآن و فقه بود، درحالی که در دوران عباسی، علوم، گوناگون شد و مسجد به مرکز نهضت‌های علمی تبدیل شد. به‌عنوان شاهد، مسجد بصره، محل تجمع اهل جدل بود. آنها در حلقه‌ای با بانگ بلند از عقاید دینی بحث می‌کردند. نزدیک آنها دوستداران شعر و ادب در حلقه دیگر گرد می‌آمدند. افرادی که در این حلقه‌ها می‌نشستند از نژادها و ملیت‌های گوناگون بودند؛ فرهنگ ملل در این انجمن‌ها با هم برخورد می‌کرد و شکل می‌گرفت؛ تا از تلاقی این فرهنگ‌ها، فرهنگی نو حاصل آید.

■ اندیشه ترقی و تحصیل در اسلام یک ارزش است نه یک انگیزه: قرآن انسان را تشویق به حرکت به‌سوی آینده می‌کند و نجات فردی و جمعی را در دستیابی به جامعه‌ای بهتر می‌داند.

۲) اثر تمدن‌ها و مراکز علمی دیگر

توین بی در باب تاریخ (توین بی، ۱۳۵۶، صفحه‌های ۱۲۷-۱۲۶)، تمدن اسلامی را ازجمله تمدن‌های کاملا مستقل و شکوفاشده‌ای می‌داند که با تمدن‌های دیگر نیز ارتباط داشته و از دستاوردهای آنها استفاده کرده است. به بیان دیگر پیش از آنکه دین اسلام ظهور کند، در جهان آن روز مراکز علمی متعددی وجود داشتند که در دوران اسلامی علوم آنها به تمدن اسلامی منتقل شدند. عمده‌ترین حوزه‌های علمی عبارتند از: حوزه آتن و اسکندریه، حوزه علمی سریانیان، حوزه علمی حرانیان، حوزه علمی ایرانیان و حوزه علمی هند و چین. به‌عنوان مثال ایران تقریبا در توسعه و تکامل همه جنبه‌های تمدن اسلامی سهم عمده‌ای داشت و یکی از مراکز مهم این تمدن بود. جندی شاپور در آن زمان محل تجمع بین‌المللی بود که در آن دانشمندان ایرانی و هندی در کنار یکدیگر می‌زیستند و با هم به فعالیت‌های علمی اشتغال داشتند. این مدرسه بیش از هر مدرسه دیگر از بسیاری جهات، به‌ویژه پزشکی، حلقه اتصال عالم اسلام و جهان باستان بود. ایران در زمینه انتقال علوم به جهان اسلام ۳نقش برجسته ایفا کرد: اول اینکه سنت علمی خود را به جهان اسلام انتقال داد. دوم، بعضی از اشکال علوم یونانی را که به زبان پهلوی یا حتی سریانی ترجمه شده و در مراکز علمی ایران همچون جندی‌شاپور تدریس می‌شد به جهان اسلام انتقال داد. سوم اینکه برخی از جنبه‌های علم هندی، به‌خصوص پزشکی و نجوم و تاریخ طبیعی را که در دوره ساسانیان تکامل یافته بود به مسلمانان منتقل کرد. از طرف دیگر دانشمندان ایرانی در دوران تمدن اسلامی در انتقال علوم از حوزه‌های دیگر به فرهنگ اسلامی مؤثر بوده‌اند. به‌عنوان نمونه، علوم متعدد از جامعه هندی با میانجیگری آثار ابوریحان بیرونی در قرن پنجم هجری و اندکی پس از آن با کتاب‌های امیر خسرو به جهان اسلام راه یافت. ولی تا آنجا که به پیدایش و آغاز علوم اسلامی مربوط می‌شود، باید گفت که این کار بیشتر نتیجه ترجمه بعضی از آثار ریاضی و نجوم هندی به عربی بوده است.(صفا، ۱۳۳۶، صفحه ۲۵).

۳) عوامل فرهنگی

عوامل فرهنگی متعددی از قبیل زبان عربی و کثرت مدارس در کشورهای اسلامی و تعداد و منزلت علما و دانشمندان در شکل‌دهی به اندیشه اجتماعی مسلمانان دارای اهمیت هستند. درخصوص این عوامل می‌توان بیان داشت:

■ زبان عربی در تحقق هدف‌های تبلیغی اسلام کمک کرده و موجب رشد تمدن اسلامی شده است، زیرا زبان در واقع کلید ارتباط است. بدین معنا که به وسیله زبان می‌توان عقاید دیگران را پذیرفت یا عقاید خود را بر دیگران تحمیل کرد.

■ کثرت مدارس عالی در بلاد اسلام دلیل دیگر فرهنگی است. در حقیقت به سبب تأکید و تشویق به علم، مردم و دولت‌ها عنایت خاصی به ایجاد مدرسه داشتند، به‌طوری که در عهد رونق حکومت‌های اسلامی در بیشتر شهرهای اسلامی مدارس مهم مانند نظامیه، حلاویه، الازهر و امثال آنها وجود داشت که بزرگان و علمای اسلام تربیت یافته آن مدارس بودند. (زرین کوب، ۱۳۵۵) در این مدارس سنت‌های متعدد فکری شکل گرفته و هر یک به لحاظ روشی و یا حوزه‌ای در گسترش اندیشه اجتماعی مؤثر بودند. به‌عنوان شاهد می‌توان از وجود ۲سنت مکی و مدنی در مطالعه تاریخی و فرهنگی و اجتماعی و نقش آنها در شکل‌دهی به مطالعات تاریخی به‌عنوان سنت جدید فکری یاد کرد.

■ مباحثات علمی عنصر سوم است. در تاریخ اسلام، اجتماع مسلمانان به اشکال گوناگون در شکل‌دهی اندیشه اجتماعی مؤثر بوده است. به‌عنوان مثال، مأمون در اواخر قرن دوم هجری به خلافت رسید. دربار مأمون مرکز اجتماع دانشمندان و فلاسفه و میدان بحث و نظر آنها بود. او برای اجتماعات علمی، محلی را در بغداد به نام دارالحکمه بنا کرد. (راوندی، ۱۳۴۷) خلفای دیگری نیز در پیشرفت علوم خصوصاً طب، نجوم و مطالعات تطبیقی نقش مهمی ایفا کردند. البته احساس نیاز بیشتر به دانشمندان باعث تشویق این طبقه از علما شد. خلفا و رؤسای حکومت‌های اسلامی با لشکرکشی به کشورهایی همچون هند، روسیه و... با ارسال دانشمندان جهت جمع‌آوری اطلاعات، کمک بسیاری به گسترش مطالعات تطبیقی و فرهنگی کردند.

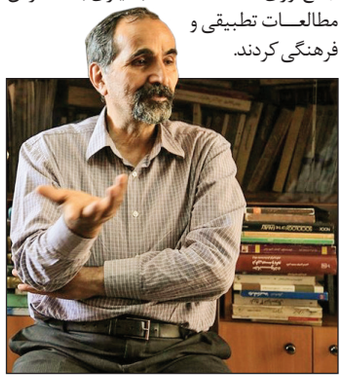

می‌توان گفت که نظرات و اندیشه‌های اجتماعی مسلمانان از قرآن ریشه می‌گیرد؛ چرا که قرآن، مسلمانان را به تفکر و تعقل و دقت در زندگی اقوام و ملل و قبایل و نیز آداب و رسوم پیشینیان و چگونگی ظهور و انقراض جوامع انسانی دعوت می‌کند. برخی از اندیشمندان مسلمان بر این اعتقادند که بررسی تاریخ ملل و سرنوشت ملت‌ها، برای نخستین بار در قرآن مطرح شده است

۴) عوامل اجتماعی

نقش عوامل گوناگون اجتماعی را می‌توان در موفقیت‌های نظامی و پیامدهای آن، رواج صنعت کاغذ و نفوذ شخصیت‌های علمی دنبال کرد. به‌اختصار بر هر کدام مروری داشته‌ایم:

■ موفقیت‌های نظامی: اهمیت و موفقیت‌های نظامی اسلام باعث جذب و تسلیم افراد بیگانه می‌شد. به‌عبارت دیگر با اتحاد و همبستگی لشکر اسلام، بیگانگان در جنگ یا تسلیم می‌شدند یا از بین می‌رفتند و به این ترتیب حکومت اسلامی گسترش پیدا می‌کرد و زمینه‌های شکوفایی تمدن را به‌وجود می‌آورد. مسلمانان جدید، خود منبع بسیار مناسبی برای انتقال اطلاعات به جامعه اسلامی بودند. بسیاری از سفرنامه‌ها تحت‌تأثیر گسترش جغرافیایی تنظیم شده است.

■ رواج صنعت و کاغذ: در اواخر قرن اول هجری، مسلمانان کاغذ را از ماوراءالنهر به داخل بلاد اسلام بردند. رواج صنعت کاغذ اسباب به‌وجودآمدن و توسعه کتابخانه‌ها شد. با استفاده از کاغذ، کار تألیف و نسخه‌برداری آسان و کتابخانه‌های بزرگ ایجاد شد. این کتابخانه‌ها که متعلق به مساجد و مدارس بودند درهای خود را روی همه طالبان علم گشودند و به این وسیله تألیفات بسیاری در زمینه مسائل اجتماعی صورت گرفت.

■ نفوذ شخصیت‌های علمی مسلمان در دستگاه‌های حکومتی: نفوذ شخصیت‌های مسلمان در دستگاه‌های حکومتی، به‌ویژه در دستگاه حکومتی مغول‌ها، یکی از عوامل بسط اندیشه اجتماعی بود؛ خواجه نصیرالدین طوسی با نفوذ در دربار هلاکوخان در مراغه، ضمن اینک باعث شد حاکمان مغول، مسلمان شوند و اقداماتی مانند تأسیس رصدخانه مراغه را انجام دهند، از مشکلات و نارسایی حکومت آنها نیز آگاهی یافت و شرایط بسط اندیشه اجتماعی فراهم شد. همچنین ابن‌خلدون با حضور در دستگاه حکومت‌های متعدد توانست تجربه کافی در بیان نظریه دولت و تغییرات اجتماعی جمع‌آوری کند. بیرونی نیز با حضور در حکومت غزنویان، توانست به طرح مطالعات فرهنگی در مورد ایران و هند بپردازد.

۵) عوامل سیاسی

از چند عامل سیاسی مهم می‌توان در زمینه‌سازی رشد اندیشه اجتماعی مسلمانان نام برد:

■ یکی از دلایل عمده رشد اندیشه اجتماعی مسلمانان وجود دیدگاه‌ها و دسته‌بندی‌های متعدد سیاسی بود. در قرن چهارم و پس از آن به‌ویژه در قرن پنجم اختلافات و دسته‌بندی‌ها به اوج خود رسید. امپراتوری اسلامی دستخوش فتنه‌های بسیاری شد، ابن اثیر می‌گوید: «بصره در دست ابن‌ایق بود، خوزستان در دست بریدی، فارس در دست عمادالدوله آل بویه، کرمان در دست ابوعلی محمد بن الیاس و...». (راوندی، ۱۴۱) اوضاع سیاسی دچار آشفتگی بوده است؛ «در این دوران وضع خلافت بد بوده و مبارزات مدعیان امارات همچنان ادامه داشت و کار این مبارزات به جایی کشیده بود که مردم بغداد که مرکز علم بود دائماً در اضطراب و بی‌نظمی و گرسنگی روزگار می‌گذراندند». (همان، ۱۴۱) تا اینکه با هجوم طغرل‌بیک سلجوقی به بغداد این روند به‌شدت رو به افول گذاشت. اختلافات و گروه‌گرایی نتایج چندی در پی داشت. خواجه نظام‌الملک و خواجه نصیرالدین طوسی برای ختم نابسامانی و ضرورت طرح اثبات و نظم اجتماعی و سیاسی نظریه حکومت و مدینه فاضله را مطرح کردند.

■ حمل مغول به ایران: زمانی که اروپا به سمت نوشدن، تغییر و تجدید حیات علمی و هنری حرکت کرد، ایران دچار انحطاط بود و حمله مغول نیز بر شدت آن افزود. در این شرایط، سلطان جلال‌الدین به عزای پسرش و شاعران و ادیبان نیز به سرودن اشعار درباری مشغول بودند در حالی که ایران به ادب و شعر حماسی نیاز داشت. (شریعتی، ۱۳۶۵)

■ در احوال تمدن اسلامی و قوت و ضعف مطالعات اجتماعی بین مسلمانان عوامل متعدد دیگری نیز دخالت داشته‌اند که به‌طور اجمال به آنها اشاره می‌شود: مخالفت بعضی از فرقه‌های دینی و خلفای بنی‌عباس با بحث و مناظره، قوت تصوف، ضعف حکومت‌ها و سلسله‌ها، بی‌توجهی به مبانی فکری اسلامی و بروز جنگ و خونریزی که منجر به نابسامانی و از بین‌رفتن آرامش شد.

گفتمان اسلام

آغاز علم از کجاست؟

مرحوم علامه محمدتقی جعفری(ره): آغاز علم، از مجرد عکسبرداری شروع نمی‌شود. عکسبرداری‌هایی هست و شاید مغز و حافظه یک انسان، میلیون‌ها اطلاع داشته باشد. ما این را علم نمی‌دانیم. اگر چنین بود، ما باید در مقابل مغزهای الکترونیکی که عملیات‌های سرسام‌آوری انجام می‌دهند، پیشانی به خاک می‌ساییدیم. اما ما در مقابل مغز الکترونیکی، پیشانی به خاک نمی‌ساییم!

شاید میلیاردها کتاب در دسترس مردم است، آیا یکی از آنها را بوسیده‌اید؟ زیرا جان و حیات ندارد! در طاقچه‌ها گرد می‌خورند و وسیله تزئین کشورها و تمدن ما شده است. ۳میلیارد و نیم نفر از بیماری می‌میرند و میلیاردها کتاب در آنجا نسخه نسخه وجود دارند که محتوی این عبارات است: این دارو شما را بهبود می‌بخشد. علاج بیماری شما این است. اما علم این چنین نیست.

آغاز علم، مجرد عکسبرداری و حفظ کردن نیست. آغاز علم از موقعی است که موقعیت خودتان را در این جهان درک کنید. این هم میلیاردها معلومات نمی‌خواهد، بلکه بعد از درک موقعیت که من جزئی از آهنگ هستی هستم که روی یک هدف‌اعلی نواخته می‌شود، آغاز علم معنا پیدا می‌کند.

منبع: کتاب امام حسین(ع) شهید فرهنگ پیشرو انسانیت

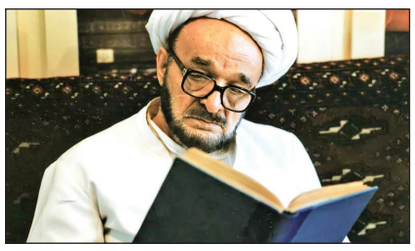

اندیشه نفیس

علم نافع، کدام علم است؟

آیت‌الله العظمی عبدالله جوادی آملی: به ما دستور دادند چه در نماز چه بعد از نماز از ذات اقدس الهی علم نافع طلب بکنیم: «اللّهُمّ إنّی أسْألُک علماً نَافِعاً». علم نافع گاهی به لحاظ معلوم است، گاهی به لحاظ اثرگذاری خود علم. گاهی انسان چیزهایی را یاد می‌گیرد که فقط اطلاع است، نه علم؛ موضوعی داشته باشد، محمولی داشته باشد، نسبتی داشته باشد، کارایی داشته باشد نیست. این همان است که مرحوم کلینی نقل کرد که وجود مبارک حضرت وقتی وارد محفلی شد دید عده‌ای دور کسی جمع شدند، حضرت فرمود چه خبر است؟ گفتند این علامه است، فرمود علم او چیست؟ گفتند این نسابه است؛ این وقایع ایام جاهلیت را می‌داند قبایل را می‌شناسد، حضرت فرمود: «ذَاک عِلْمٌ لَا یضُرُّ مَنْ جَهِلَهُ وَ لَا ینْفَعُ مَنْ عَلِمَه». پس گاهی نافع بودن علم به لحاظ معلوم است؛ سحر و شعبده و جادو و اینگونه از علوم، علوم نافع نیست.

بخش دیگر علمی است نافع ولی در اثر اینکه جهالت، فرمانروای درون است، این علم را به منزله حاکم معزول قرار می‌دهد. این علم دارد، فقط در گوشه ذهن او بایگانی شده است، لذا به ما گفتند بگویید: «أعُوذُ بِک مِنْ عِلْمٍ لَا ینْفَعُ». علم غیرنافع یا در اثر آن است که معلومش سودآور نیست یا در اثر این است که خود علم کارایی ندارد. اما علم الهی هر دو کمال را دارد؛ یعنی هم معلوم آن سودآور است و هم خود علم کارایی دارد، لذا ما علمی را می‌خواهیم که علم الهی باشد؛ این علم یقیناً با عمل همراه است.

منبع: درس اخلاق آیت‌الله جوادی آملی مورخ ۱۳۹۵/۰۹/۲۵

اندیشمندان مسلمان

حسن انصاری، عضو هیأت علمی مؤسسه مطالعات عالی

خواجه طوسی؛ دانشمند طراز اول ایران

خواجه نصیر اگر مهم‌ترین دانشمند تمام ادوار تاریخ ایران نباشد که به‌نظر من هست، شایسته است تنها در کنار ۲نام ابن‌سینا و ابوریحان، هر سه به‌عنوان دانشمندترین علمای ایران در تاریخ نامش بر فراز نشیند. متأسفانه ما تاکنون تلاش قابل توجهی برای شناخت و شناسایی او نکرده‌ایم. کدام دانشمندی را می‌شناسید که در تمامی این علوم نوشته‌های درجه یک داشته باشد: کلام، فلسفه و منطق، ریاضیات (حساب و هندسه و مثلثات و جبر)، هیأت، احکام نجوم، فیزیک، مکانیک، طب، کانی‌شناسی، اخلاق، فقه و اصول، آداب مملکت‌داری و سیاست و حتی تاریخ‌نگاری؛ آدمی با ۲تجربه متفاوت و سهمگین همکاری سیاسی و علمی با ۲حکومت نزاریان و مغولان و حتی در مقام وزیر و مشاور و مذاکره‌کننده سیاسی. مؤسس یکی از مهم‌ترین مراکز علمی و فلسفی تاریخ اسلام و جهان تا ماقبل عصر جدید؛ یعنی رصدخانه مراغه با مدیریت محاسبات دقیق نجومی و صدها شاگرد و استاد و همکار دانشگاهی و تأسیس یکی از بزرگ‌ترین کتابخانه‌های عصر قدیم. بسیاری از نسخه‌های خطی مراغه بعدها سر از کتابخانه‌های عثمانی و امروز ترکیه درآورد. من با اطمینان و با اطلاع می‌گویم که اگر نبود تلاش‌های خواجه در گردآوری نسخه‌های خطی به‌ویژه در علوم فلسفی و دانش‌های دقیقه، امروزه از بسیاری از این آثار ما هیچ نسخه‌ای در اختیار نداشتیم. نهضت بازنویسی و کتابت نسخه‌ها و تحریرنویسی برای آثار علمی یونانی از مهم‌ترین خدمات خواجه طوسی است. سهم مهم او در اداره هولاکوخان و تدبیر سیاسی وی در جهت مصالح عالیه دارالاسلام و به‌ویژه تلاش برای احیای سیاسی و وحدت سرزمینی ایران و استقلال از نظام سیاسی خلیفگان بغداد جای هیچ تردیدی ندارد. او سهم مهمی در احیای زبان فارسی و به‌ویژه زبان علمی آن داشت. احیای خردگرایی اسلامی مدیون شخصیت خواجه است. خواجه نصیر طوسی، دانشمند امامی مذهب، گوهر گرانبهایی است که گشودگی فرهنگی ایرانی و شیعی را نمایندگی می‌کند.